

ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۴۵

۲۶ فروردین ۱۴۰۰ / ۱۵ آوریل ۲۰۲۱



آزار جنسی و قوانین ایران



در این شماره می‌خوانید:

اسامی بزرگ و اتهام آزار جنسی

ارتباط جنسی بدون رضایت، تجاوز است

تجاوز و آزار جنسی؛ بررسی قوانین قدیمی و کنونی ایران

قوانین ایران در حوزه آزارهای جنسی «دخول محور» است

مهری جعفری: قوانین ایران، مجوز آزار جنسی کودکان

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: سروناز رستگار، نیره انصاری، نقی محمودی، عسل همتی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

نقاشی روی جلد: «تجاوز» اثر ادگار دگا نقاش فرانسوی

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

اسامی بزرگ و اتهام آزار جنسی

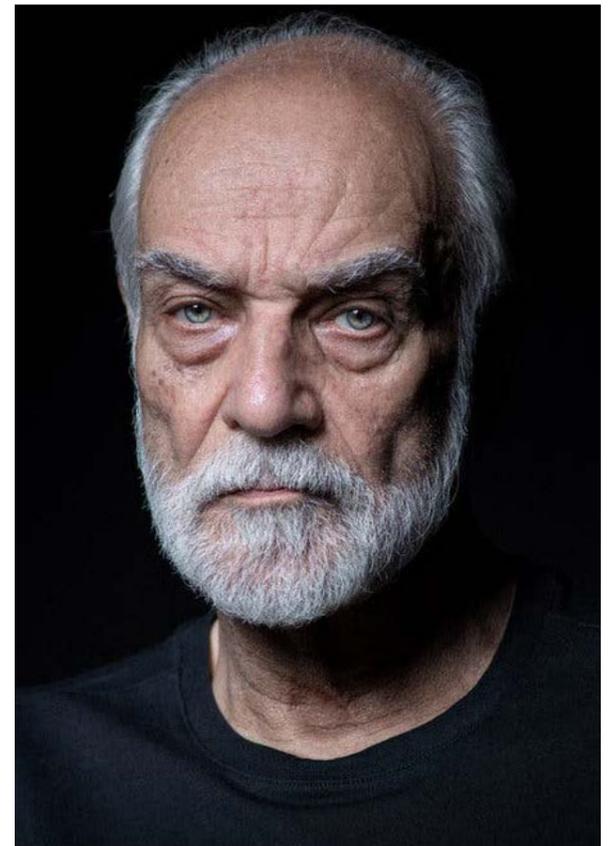
سروناز رستگار

همه چیز از پرونده کیوان امام‌وردی آغاز نشد. سال‌ها پیش از آن، اینجا و آنجا در مورد آزار جنسی زنان و کودکان در ایران حرف‌هایی زده می‌شد. با به میدان آمدن شبکه‌های اجتماعی این موج فراگیرتر شد و اتهامات علیه افرادی مطرح شد که عمدتاً با استفاده از حرف اختصاری معرفی می‌شدند. کیوان امام هم ابتدا نامش با همین حروف اختصاری مطرح و تکرار شد. تعداد زیاد قربانیان و تمرکز اصلی آنها در تهران سبب شد تا پرونده‌ای قضایی علیه او تشکیل شده و وی بازداشت شود. تفاوت پرونده کیوان امام با سایر متهمان به آزار جنسی تنها تعداد شاکیان نبود، مدارکی که از خانه وی به دست آمد نشان داد که او با بیهوش و بی‌حال کردن قربانیان به آنها تجاوز کرده و از صحنه تجاوز فیلم‌برداری کرده است. پگاه بنی‌هاشمی، حقوقدان در همین شماره مجله حقوق ما توضیح داده است که قوانین کیفری ایران در حوزه آزارهای جنسی را دخول محور است و قانون‌گذار ایران تا زمانی که آن اتفاق اصلی نیفتد تجاوز را به رسمیت نشناخته است. پرونده کیوان امام از این منظر هیچ کم و کسری نداشت. چالش‌ها زمانی شکل گرفت که نشریه نیویورک تایمز در مورد موج اتهامات سوءرفتار جنسی علیه آیدین آغداشلو مطلبی

را منتشر کرد. انتشار این مطلب تفاوت دیدگاه‌ها در مورد آزار جنسی را آشکار کرد. «خانم امت‌علی در آن پست نوشت که آغداشلو با عبایی جلو باز که زیرش برهنه بود به استقبال او آمد، به زور او را بوسید و بدنش را به او مالید. اظهارات او کاتالیزوری برای دیگر زنان شاگردان دختر و جوان باخبر بودند. سیزده نفرشان گفتند که قربانی او بودند، که یکی از آن‌ها در آن زمان تنها ۱۳ سال داشت. در هر سیزده مورد هم یکی از اعضای خانواده، دوست یا همکار در مصاحبه‌های جداگانه گفتند که در جریان این مواجهه بوده‌اند. اکثر زنان همدیگر را نمی‌شناختند و در دهه‌های مختلف شاگرد آقای آغداشلو بودند. نوزده نفر او را «هاروی واینستین ایران» توصیف کرده و گفتند که پیشرفت یا نابودی حرفه‌ای این زنان به میزان پذیرش آن‌ها نسبت به پیشنهادهای آقای آغداشلو بستگی داشته است.

یکی از شاگردان سابق او گفت که آقای آغداشلو در قبال هم‌خوابگی با او تابلویی به ارزش ۱۰۰ هزار دلار (معادل قیمت یک آپارتمان کوچک در تهران) به او پیشنهاد داده است. شاگردی دیگر گفت وقتی پیشنهاد آقای آغداشلو را رد می‌کند، او تلافی کرده و به گالری‌ها می‌گوید که کارهای او را قبول نکنند، امری که به حرفه‌اش لطمه جدی وارد کرد. سولماز اژدری، ۳۲ ساله، از شاگردان نقاشی آقای آغداشلو گفت، «آوازه‌ی آقای آغداشلو در دنیای هنر رازی آشکار بود اما کسی اقدامی در این مورد نمی‌کرد.» او گفت در سال ۲۰۰۷ در یکی از کلاس‌های طراحی مداد می‌افتد روی زمین و خم می‌شود آن را بردارد که می‌بیند دست آقای آغداشلو میان پاهای یکی از شاگردان دختر است.» روایت‌ها در مورد آیدین آغداشلو آمیخته‌ای از آزار جنسی، سوءاستفاده جنسی و استفاده از قدرت و روابط برای به تمکین درآوردن زنان بود، اتهاماتی که آیدین آغداشلو آنها را با کاملارد کرد و نوشت: «اتهامات تعرض جنسی مطرح شده علیه من پر از اشتباهات فاحش، اظهارات نادرست و ساختگی است. صراحتاً می‌گویم که من همیشه سعی کرده‌ام با مردم با احترام و شرافت رفتار کنم و به کسی تعرض نکرده، به کسی آزار نرسانده‌ام و از کسی سوءاستفاده نکرده‌ام.» انکار و رد اتهامات شیوه مشترک برخورد متهمان به آزار جنسی، در مواجهه با این اتهامات است. مدت کوتاهی پس از انتشار گزارش‌ها علیه آیدین آغداشلو، کامیل احمدی، پژوهشگر و مردم‌شناس نیز با اتهاماتی مشابه روبرو شد. وقتی احمدی خبر خروج خود از کشور را اعلام کرد، آزاردیدگان که امکان رسیدگی به شکایتشان را غیرممکن می‌دانستند، لب‌به‌سخن گشودند. روزنامه‌گردین گزارش داد که چند زن کامیل احمدی را به عنوان «یک حیوان درنده جنسی» توصیف کرده‌اند که نباید اجازه ادامه کار با زنان یا با گروه‌های آسیب‌پذیر را که موضوع اصلی تحقیقات او هستند، داشته باشد. چهار زن به طور جداگانه به گاردین گفته‌اند که کامیل احمدی به آنها تعرض کرده است و دیگران نیز ادعاهایی مبنی بر آزار جنسی مکرر او مطرح کرده‌اند. دوستان و همکاران این زنان روایت آنها را تایید می‌کنند و می‌گویند قبل از اینکه قربانیان داستان‌هایشان را علنی کنند،

درباره سه مورد ادعای تعرض و چندین مورد ادعای آزار و اذیت از سوی او مطالبی شنیده بودند. کامیل احمدی پیش از خروج از ایران، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به ده سال زندان محکوم و با قید وثیقه آزاد شد و به طور غیرقانونی از مرز ایران خارج و به بریتانیا، کشوری که تابعیت آن را داشت، رفت. زنانی که با گاردین صحبت کردند گفتند می‌ترسند او باردیگر تحقیقات خود را شروع کند و زنان دیگری در معرض خطر قرار بگیرند. به گفته آنها هرچند او نمی‌تواند به ایران بازگردد، اما بسیاری از موضوعاتی که او درباره آنها مطالعه کرده است، در حوزه جوامع مرزی منطقه بوده و او همچنان می‌تواند در این مناطق به کار خود ادامه دهد. یکی از زنان آزار دیده به گاردین گفت: هنگامی که در مورد قربانیان دیگر او شنیدم، دیگر نمی‌توانستم سکوت کنم، می‌ترسم که او فرصت‌های دیگری برای کار با زنان آسیب‌پذیر داشته باشد و به آنها صدمه بزند. احمدی اما ساکت نشست و در اینستاگرام خود نوشت: «این اتهامات بی‌اساس علیه من زمانی شکل گرفت که در پروسه دادگاه و محکومیت به دلیل تحقیقاتم بودم. یقین می‌دانم که این برجسب‌های غیرواقعی با هدف آسیب رساندن به پایگاه اجتماعی و علمی‌ام به صورت کاملاً سازماندهی شده و هدفمند با کمک برخی افراد، بر من وارد شد و جالب‌تر آنکه درست پس از خروج از کشور نیز همان افراد با انگیزه‌های رقابتی و با هدف تخریب تحقیقات، موقعیت شغلی و زندگی شخصی‌ام همچنان نیز به صورت سازماندهی شده من را آماج حملات خود قرار داده‌اند.» خروج کامیل احمدی از ایران به این شبهه دامن زد که حکم سنگین دادگاه‌های ایران برای کیوان امام‌وردی یکی از دلایل خروج او از ایران بوده است. حدود یک ماه پیش از آن، بازپرس دادسرای امنیت اخلاقی تهران اعلام کرد برای کیوان امام‌وردی اتهام «افساد فی الارض» را مطرح کرده است؛ طبق رویه معمول در قوه قضاییه ایران، چنین اتهامی می‌توانست منجر به صدور حکم اعدام برای متهم شود. بنابراین گزارش‌ها ۱۰ نفر از آزاردیدگان «با مراجعه به دادسرا و مواجهه حضوری با متهم او را شناسایی و شکایت‌شان را مطرح کردند» و ۱۰ نفر دیگر نیز از طریق تلفن ماجر را شرح دادند. با این همه



کیوان امام‌وردی «در جریان تحقیقات به برقراری رابطه جنسی با حدود ۵۰ دختر» اقرار کرد اما در جریان تحقیقات، اتهامات مطرح شده را رد کرد و گفت که این افراد با رضایت خودشان به خانه او رفته‌اند.

پوشش خبری این اتهامات را خبرنگارانی در ایران برعهده داشتند که خود پیش از همه از آزار جنسی در محیط کار خود پرده برداشته بودند. مرداد ماه سال ۹۹ همزمان با روز خبرنگار در ایران، شبکه چندرسانه‌ای «راوی» با انتشار یک ویدئو به موضوع مزاحمت‌های جنسی برای خبرنگاران زن پرداخت. این ویدئو محصول مصاحبه با تعدادی از زنان خبرنگار بود که مورد آزار قرار گرفته و حاضر شدند در برابر دوربین در مورد آن صحبت کنند. در یکی از این روایت‌ها به آزار کلامی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و افرادی در سطح معاون وزیر و شیوه برخورد آن‌ها با خبرنگاران زن اشاره شده و گفته شد زنان خبرنگاران نمی‌توانند با مدیران دولتی مانند خبرنگاران مرد، در مکان‌های غیررسمی دیدار داشته باشند زیرا یا از سوی آن مدیران مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند یا این شبهه در میان همکاران‌شان ایجاد می‌شود که این زنان برای دریافت اخبار

تن به رابطه جنسی داده‌اند.

با این که بسیاری فکر می‌کردند وجود نهادی مانند انجمن صنفی روزنامه‌نگاران می‌تواند از اعتراضات این خبرنگاران حمایت کند اما انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران خبر داد که با تشکیل «کمیته پیگیری آزار جنسی» می‌خواهد به موضوع ورود کند.

اعضای انجمن گفتند این کمیته قرار است محوریت را به آزاردیدگان بدهد چون نه می‌خواهد و نه می‌تواند که رأی‌ای درباره آزارگر صادر کند.

انتشار این ویدئو کافی بود تا بقیه روزنامه‌نگاران هم از تجربیاتشان سخن بگویند. وب سایت ایران و ایر در گزارشی از تجربه خبرنگاران زن خارج از ایران نوشت: «یکی از خبرنگاران ایرانی ساکن اروپا می‌گوید: "همیشه شنیده بودم که چنین آزارهایی ممکن است در محیط کار پیش بیاید. با خودم فکر می‌کردم، حتما آدم‌ها مستقیم پیشنهاد می‌دهند یا رفتار ناشایسته‌ای می‌کنند. من هم درخواست‌شان را رد می‌کنم و همه چیز تمام می‌شود اما اصلاً اینطور نشد."

او ادامه می‌دهد: "درخواست‌های جنسی عمدتاً غیر مستقیم



بازگو می‌شوند؛ در قالب متلک‌های جنسی یا رفتارهایی که مستقیم و واضح منظور را نمی‌رسانند. این طوری گوینده از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کند.

این خبرنگار ایرانی توضیح می‌دهد: "وقتی اعتراض می‌کنم، می‌گویند اینجا خارج است و این مسائل حل شده. چقدر سخت می‌گیری."

هم زمان در ایران نام یکی از روزنامه‌نگاران سیاسی بر سر زبان‌ها افتاد. با بالا رفتن تعداد افرادی که علیه این روزنامه‌نگار افشاگری کردند، گروهی از خبرنگاران با تشکیل هیات تحقیق به گفت و گو با تک تک قربانیان پرداختند. نتیجه این تحقیق انتشار بیانیه‌ای با امضای ۲۳ خبرنگار زن بود. این روزنامه‌نگاران در ابتدای بیانیه خود نوشته‌اند: «سرانجام

جنبش روایت‌گری آزار به دالان‌های مطبوعات رسید؛ جایی که خیلی‌ها باید از آن بترسند. درباره مورد اخیر که مطرح شده است هم چند روایت را شنیده‌اید، اما آن چه بر هیچ یک از روزنامه‌نگاران پوشیده نیست، این است که ده‌ها روایت مشابه دیگر نیز شنیده‌ایم و حتی برخی شاهد آزارها بوده‌ایم. بسیاری از زنان روزنامه‌نگار و غیرروزنامه‌نگار، راوی آزارها و تعرض‌های

آقای متجاوز بوده‌اند و خوشحالیم که حالا روایت‌ها از پستو بیرون کشیده شده است.»

امضاکنندگان این بیانیه تاکید کرده‌اند که آن‌ها از تعداد زیادی از زنانی که از سوی این روزنامه‌نگار دچار آزار شده‌اند، خواسته‌اند در این باره سکوت نکنند تا بقیه نیز سکوت خود را بشکنند: «ما بخش زیادی از این راویان آزار را می‌شناسیم و متأسفیم که احتمالاً زنان دیگری هم هستند که رنج آزار و تعرض را محتمل شده‌اند، اما هنوز هم سکوت کرده‌اند. همه آن‌ها بدانند که متجاوز دیگر نمی‌تواند با تله‌گذاری، خاک بر چشم قربانیان پاشاند. ما امضاکنندگان تا پایان، از تک تک شما زنان و راویان آزار حمایت می‌کنیم تا حرف بزنید و عقب ننشینید.»

در این میان گزارش‌های وب سایت دیده‌بان آزار نیز نقشی جدی در افشاگری آزارهای جنسی برعهده گرفت، وب سایتی که از تابستان سال ۹۷ با تمرکز بر «طرح مسئله به صورت گسترده و گفت‌وگوی عمومی در زمینه آزار و اذیت زنان و دیگر گروه‌های به حاشیه‌رانده شده در شهر» کار خود را آغاز کرده بود. یکی از گزارش‌های این وب سایت که مخاطبان گسترده‌ای یافت،

گزارشی بود در مورد یکی از افرادی که روایاتی درباره آزارهای جنسی اش منتشر شد، «الف.پ» منتقد سینماست. چند نفر از آزاردیدگان با فرستادن روایت هایشان به «دیدبان آزار» از آزارهای او نوشتند. با هفت نفر از کسانی که «الف.پ» آن‌ها را آزار داده و یا شاهد آزارهای او بودند، مصاحبه شد و چهار نفر دیگر موافق انتشار روایت‌شان نبودند.

«چون تن به خواسته‌های او ندادم مدام تحقیرم می‌کرد»، «سر کلاس با لحن تند و بی ادبانه حرف می‌زد»، «از او درخواست کمک برای ورود به کارهای سینمایی کردم، به خانه‌اش دعوتم کرد و بعد هر کاری خواست با من کرد»، «از من می‌خواست به سکس گروپ‌های او بپیوندم»، «در شبکه‌های اجتماعی حرف‌های رکیک جنسی می‌زد و عکس لخت خودش را در دایرکت می‌فرستاد»؛ این‌ها جملاتی از راویان آزارهای جنسی «الف.پ» است؛ زنانی که یا شاگرد او بوده و یا به واسطه کارشان با او ارتباط داشته‌اند. بعضی از آن‌ها می‌گویند گرچه اعتراضشان را به او نشان داده‌اند اما نتوانسته‌اند به دیگران در این باره اطلاع دهند.

در برابر همه این افشاگری‌ها «الف.پ»، در پستی اینستاگرامی در واکنش به بعضی روایات منتشر شده درباره آزارهای جنسی او، برای «تنگ نظران»، «حسادت‌ورزان»، «پرونده‌سازان» و «شایعه‌پردازان» ابراز تأسف کرده و نوشته که این افراد زیبایی همسرش و دیدن عکسی از او را هم نمی‌توانند تحمل کنند. موج اعتراض‌ها علیه این منتقد سینمای ایران زمانی بالاتر رفت که وی در یکی از رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور کار خود را آغاز کرد. علی‌رغم همه اعتراضات این رسانه هنوز هیچ واکنشی به معترضان نشان نداده است.

با طرح پیاپی اتهام‌های آزار جنسی و سکوت رسانه‌های داخل ایران کم‌کم پای تلویزیون‌های خارج از کشور نیز به این موضوع باز شد. اوایل شهریور سال ۹۹، زنی با نام مستعار «ماهی» در توئیتر از «تجاوز و خشونت جنسی» محسن نامجو، خواننده سرشناس ایران علیه خودش نوشت؛ او گفت که این آزار در آمریکا رخ داده و به پلیس هم گزارش شده است.

یک هفته پس از طرح شدن این اتهام، بی‌بی‌سی فارسی ویدیویی ده دقیقه‌ای از محسن نامجو را منتشر کرد که در آن بدون اشاره به اصل اتهام، گفت این حرف‌ها شایعه است و



«قویاً و قویاً» آن را رد کرد. او همچنین گفت که این اتهامات مربوط به «چند سال پیش» است و قبلاً هم رد شده‌اند. این ویدئو بدون واکنش چندانی منتشر شد اما حضور محسن نامجو در ویژه برنامه نوروزی یکی از شبکه‌های پرمخاطب نمک برزخم سایر زنانی پاشید که می‌گویند مورد آزار محسن نامجو قرار گرفته‌اند. لونا شاد (بازیگر و مجری)، پانیدا (خواننده) و بشرا دستورنژاد (بازیگر) به میدان آمدند و روایت‌های خود درباره آزار جنسی را مطرح کردند. واکنش محسن نامجو این بار متفاوت بود. او ویدئوی دیگری منتشر کرد و گفت در ویدئوی شهریور سال ۹۹ صادق و شفاف نبوده است. او همچنین بدون اشاره به فردی مشخص و نیز بدون توضیح جزئیات ماجرا، به طور کلی از زنان آزار دیده «صمیمانه، خالصانه و متواضعانه» عذرخواهی کرد و فرصت جبران خواست.

کمتر از ۲۴ ساعت پس از انتشار این ویدیو، یک فایل ۱۷ دقیقه‌ای از صدای نامجو منتشر شد که همه جمله‌های اساسی‌اش با آن چه در ویدئوی عذرخواهی‌اش گفته بود، متفاوت بود، او در این فایل، منتقدان و معترضان به رفتارهایش را «افراد روانی و مریض و پاچه‌ورمالیده» خواند، آن‌ها را به

نفر در شبکه‌های اجتماعی آرش علایی را متهم کردند. از جمله شخصی که از هویت او مطلع هستیم اما نام او برای ما محفوظ است:

"در مهمانی دانشگاه بودیم و چند نوشیدنی هم نوشیده بودیم. آرش پیشنهاد داد من را به خانه برساند.

در راه صحبت از مشکلاتی شد که با آنها روبرو بودم و آرش من را به خانه‌اش دعوت کرد تا بیشتر درباره این موارد حرف بزنیم. من خیلی خوشحال شدم که بالاخره یکی از مسئولین اصلی برنامه دانشگاهی ما قرار شده به مشکلاتی که عمدتاً ناشی از عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی خودشان بوده، گوش بدهد.

در خانه آرش، بعد از نوشیدن چند نوشیدنی، حالم در بالکن بد شد و از حال رفتم.

وقتی به هوش آمدم در تخت کنار آرش بودم و هر دو برهنه. آرش برای داشتن رابطه جنسی مکرراً اصرار می‌کرد و من از موقعیت پیش آمده گیج و شوکه بودم. هر بار از او خواهش می‌کردم جلوتر از این نیاید تا اینکه سرگیجه شدید و تهوع اجازه داد از

جایم بلند شوم و از او بخواهم که من را به خانه‌ام برساند." به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، اتهام‌های آزار و اذیت جنسی دیگری هم علیه آرش علایی مطرح شده که وکیل او آنها را رد کرده و علت ادعاهای بعضی از اتهام زنده‌ها را انگیزه‌های شخصی خوانده یا آنها را به همکاری با جمهوری اسلامی متهم کرده است.

با وجود بحث‌های گسترده در مورد آزار جنسی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی اما رسیدگی قضایی به این پرونده‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. از میان همه گزارش‌های مطرح شده در ایران تنها برای کیوان امام پرونده قضایی تشکیل شده و وکیل محسن نامجو هم گفته است که علیه افرادی که محسن نامجو را متهم به آزار جنسی کرده‌اند، شکایت رسمی مطرح خواهد کرد. اما چرا همه این زنان آزار دیده، از اقدام قضایی

پیش از طرح عمومی آزار علیه‌شان ابا داشته‌اند؟ چرا مراجع قضایی، فضای امن زنانی که آزار جنسی دیده‌اند محسوب نمی‌شود. در این شماره مجله حقوق ما با کارشناسان در مورد همین موضوع صحبت کرده‌ایم.

«حسادت» متهم کرد، گفت بهره‌ای از زیبایی ندارند، موفق نبوده‌اند، تحصیلات ندارند و جنبشی در اعتراض به آزار زنان تشکیل داده‌اند که «شلوغ‌بازی» و «نبرد زامبی‌ها» است و «یک سال از آن می‌گذرد، اما یک اسم آدم حسابی در آن نمی‌بینم». در پی این سخنان بود که بیش از ۱۵۰۰ تن از کنشگران زن، چهره‌های رسانه‌ای، هنرمندان، نویسندگان و فعالان اجتماعی با امضای بیانیه‌ای با عنوان «نه به سلطه‌گری جنسیتی و آزار جنسی» از زنانی که محسن نامجو، خواننده مشهور ایرانی را متهم به آزار جنسی کرده حمایت کرده و نسبت به رفتار او اعتراض کرده‌اند.

محسن نامجو و وکیلش در شبکه‌های اجتماعی به رد اتهامات پرداختند و از پیگیری حقوقی و قضایی که «اتهامات ناروا» را مطرح کرده‌اند سخن گفتند. اما شبکه فارسی زبان ایران اینترنشنال با پیگیری پرونده به مدارک و شواهدی دست یافت و با انتشار آن باب جدیدی را در پوشش رسانه‌ای آزارهای جنسی باز کرد.

بی‌بی‌سی فارسی هم در شنیده‌ها در مورد دکتر آرش علایی را پیگیری کرد. در گزارش بی‌بی‌سی فارسی آمده است: «چند

ارتباط جنسی بدون رضایت، تجاوز است



نیره انصاری

خشونت علیه زنان را دارد. این کشور در تاریخ ۲۰ مارس سال ۲۰۲۱ از کنوانسیون استانبول خارج شد.

برمبنای این کنوانسیون، کشورهای عضو موظف می‌شوند که هرگونه خشونت، از خشونت کلامی تا خشونت فیزیکی، تجاوز، قتل ناموسی، سقط جنین اجباری و ازدواج اجباری را در قانون کشور «جرم» نامیده و مجازات‌های لازم را برای مجرم پیش‌بینی و تصویب کنند.

بنا بر گزارش مجمع پارلمانی شورای اروپا (PACE) کنوانسیون استانبول موجب ایجاد تغییرات محسوس شده است. از جمله باعث شده استانداردهای بالاتری در زمینه قانونگذاری و سیاستگذاری وارد قوانین ملی چند کشور شود و آگاهی‌های عمومی جوامع نیز درباره انواع خشونت‌ها علیه زنان و راه‌های جلوگیری از آن‌ها افزایش یابد.

این کنوانسیون، تجاوز را رابطه جنسی «بدون رضایت» تعریف می‌کند و اعلام می‌دارد که «رضایت باید داوطلبانه داده شود» و همه امضاکنندگان این کنوانسیون نیز باید تجاوز را در قوانین خود همین‌گونه تعریف کنند.

سوء استفاده جنسی و تجاوز جنسی

نگاه متفاوت دادگاه اسپانیا در مقطعی به این دو اصطلاح موجب گشت که موجی از خشم سراسر این کشور را فرا بگیرد و حتی جنبشی مشابه جنبش «من هم همینطور» (MeToo) در قالب هشتگ «#cuentalo» که به زبان اسپانیایی یعنی «آن

را بگو» معنی می‌دهد، در شبکه‌های اجتماعی به وجود آید. این خشم پس از آن اسپانیا را در بر گرفت که مردانی که در جریان جشنواره گاوبازی شهر پامپلونا، مرکز منطقه خودمختار نابارا، به دختری ۱۸ ساله تجاوز کرده بودند، در نهایت با رای دادگاه از این اتهام تبرئه و تنها در قبال جرم سبک‌تری که سوء استفاده جنسی است، گناهکار شناخته شدند.

قانون اسپانیا مقرر می‌دارد: «تجاوز باید شامل فاکتورهایی همچون خشونت و ارباب باشد درحالی‌که در موضوع سوء استفاده جنسی این موضوعات مطرح نیست.» حکم دادگاه پامپلونا موجب شد که بسیاری خواستار اصلاح قوانین شوند تا به این ترتیب تجاوز، هرگونه ارتباط جنسی «بدون رضایت» را شامل شود؛ گذشته از اینکه همراه با خشونت و ارباب باشد یا خیر.

اگرچه این موضوع در اسپانیا بحث برانگیز شده است اما این کشور تنها کشور اتحادیه اروپا نیست که رابطه جنسی بدون رضایت را تجاوز نمی‌داند. در مناطقی مختلف این قاره دیدگاه واحدی درباره این موضوع وجود ندارد. در بسیاری از کشورها هنوز به حیث قانونی رابطه جنسی «بدون رضایت» به عنوان تجاوز شناخته نشده است. از نظر عملی نیز گاه شاهد آن هستیم که به دلیل کلیشه‌ها و باورهای اجتماعی، این قربانی است که در دادگاه مورد پرسش قرار گرفته و سرزنش می‌شود. برای مثال گاه از قربانی پرسیده می‌شود: «آیا مست بودی؟»

یکی از جنجال برانگیزترین پرونده‌ها در این زمینه، رسیدگی به پرونده‌ای در ایرلند شمالی بود. پرونده‌ای با موضوع تجاوز به عنف که در نهایت با تبرئه چهار متهم آن که دو بازیکن بین‌المللی راگی ایرلند و دو تن از دوستانشان بود، پایان یافت.

دادگاه رسیدگی به این پرونده ۹ هفته بطول انجامید و شیوه برخورد دادگاه با زن جوانی که این شکایت را مطرح کرده بود، همچنین حکم نهایی و تبرئه متهمان، انتقادات بسیاری را برانگیخت.

معترضان خشمگین به خیابانهای ایرلند آمدند و در شبکه‌های اجتماعی موجب راه اندازی کمپینی تحت عنوان «من او را باور می‌کنم» (I believe her) شد.

ایرلند شمالی یکی از کشورهایی است که دستگاه قضایی آن رابطه جنسی بدون رضایت را به عنوان تجاوز به رسمیت می‌شناسد.

این پرونده نمونه‌ای بود که نشان داد قانونی کردن یک موضوع، تنها یک مرحله از مجموعه اصلاحاتی است که باید در یک جامعه انجام شود تا در نهایت هم از تجاوز جلوگیری شود و هم قضات به نتیجه‌گیری متفاوتی در یک پرونده برسند.

وضعیت اجرای قوانین مربوط به تجاوز در اروپا چگونه است؟ اگرچه بیست کشور اروپایی کنوانسیون استانبول را تصویب

دادگاه پامپلونا؛ حکمی متفاوت

معترضان به حکم دادگاه پامپلونا که به «Wolf Pack» نیز مشهور شده، هم به تبدیل شدن جرم تجاوز به سوء استفاده جنسی معترض هستند و هم به مجازات ۹ سال زندانی که برای محکومان در نظر گرفته شده و از نظر آنها بسیار کم است. این پرونده نشان داد که اگر قانون یک کشور رابطه جنسی بدون رضایت را به عنوان تجاوز به رسمیت نشناسد آنگاه چه رخدادهایی ممکن است در آن کشور روی دهد، زیرا در حقیقت قضات اسپانیا همان کاری را کرده‌اند که قانون کنونی این کشور می‌پذیرد.

در این پرونده بدون وجود ارباب یا تهدید یا خشونت، قضات نمی‌توانند ثابت کنند که ارتباط بدون رضایت در واقع همان تجاوز جنسی بوده است.

به همین جهت این پرونده به درستی به جامعه نشان داد که چگونه چنین موارد تکنیکی حقوقی می‌تواند قانون را در موضوعات مرتبط با حقوق بشر تغییر دهد و موجب گردد که قضات به نتیجه‌گیری متفاوتی در یک پرونده برسند.

در صورت طرح شکایت در دادگاه، عدالت اجرا شود.

و یا در پرونده بلغاست «عاملان تجاوز تبرئه شدند، زیرا دادگاه حتی با وجود پذیرش اصل ارتباط جنسی بدون رضایت به عنوان تجاوز، اعلام کرد که بررسی‌های قانونی نشان داده که تجاوزی روی نداده است.»

ضروری است افزون بر قانونی شدن این موضوع، اقدامات لازم برای محافظت از شاکیان نیز انجام شود، مانند داشتن یک وکیل دادگستری که در جریان دادگاه به نمایندگی از قربانی در جلسات حاضر شود.

چگونگی برخورد با شاکی از موضوعات مشکل آفرین در جریان دادگاه بلغاست بود. از جمله شیوه برخورد رسانه‌ها با شاکی پرونده، روشی که وکلای دادگستری چهار متهم برای پرسش از شاکی در جریان این دادگاه طولانی انتخاب کرده بودند آنها در حالی که این زن وکیل مدافعی نداشت و وکلا کوشیدند تا اعتبار آن زن (شاکی) را با پرسش‌های پیاپی خدشه دار نمایند، بگونه‌ای که گاه به نظر می‌رسید که این شاکی پرونده است که دارد محاکمه می‌شود.

دادگاه بلغاست نشان داد که حتی اگر قانونی خوب و مطابق با حقوق بشر داشته باشید، باز هم تنها بخشی از مجموعه مراحل لازم برای دسترسی قربانیان تجاوز جنسی به عدالت را مهیا کرده‌اید.

تجاوز به عنف در قوانین کیفری در ایران

بنابر موارد بالا یکی از جرائم جنسی و خشونت‌بار در حقوق کیفری جرم تجاوز به عنف است، جرمی که هیچ‌گاه تحت این عنوان در قوانین کیفری در ایران به رسمیت شناخته نشده است. بل، تحت تاثیر فقه اسلامی به عنوان زنا یا به عنف و اکراه جرم‌انگاری شده است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شدیدترین واکنش کیفری یعنی اعدام برای مرتکب تجاوز به عنف در نظر گرفته شده است.

قانون‌گذار در ایران محدودترین تعریف از تجاوز به عنف را مورد پذیرش قرار داده است، به این معنی که تجاوز به عنف از منظر حقوق کیفری ایران عبارت است از دخول در دُبر یا قُبُل زنی غیر از همسر خود بدون «رضایت» زن. در قانون کیفری ایران محدود کردن موضوع تجاوز به عنف تنها از سوی بزه‌کار مرد علیه بزه‌دیده زن جای تامل است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تبیین تجاوز آرام در مقابل تجاوز سخت (همراه

با اعمال مقاومت شدید و سخت از سوی بزه دیده) وجود دارد. قانون‌گذار در بحث تجاوز به عنف با کاستی‌های فراوان روبه‌روست به نحوی که با ارائه ماده‌ای ناقص از موضوعاتی همچون میزان رضایت بزه‌دیده و عدول از رضایت از سوی او، تجاوز علیه شخص مجنون، خنثی و همسر متجاوز کاملاً مسکوت است. با تحلیل جرم تجاوز به عنف از منظر دکترین حقوق کیفری مفهوم و عناصر متشکله این جرم و واکنش علیه آن و نحوه اثبات آن باید مورد بررسی قرار گیرد تا نقاط ضعف و قوت قانونی این جرم برجسته شود.

تجاوز به عنف جرمی است که در ردیف مجازات‌های جنایی است. در کشورهای دیگر این جرم به حیث میزان مجازات به جنایت، جنحه و خلاف طبقه‌بندی شده‌اند.

منظور از اصطلاح تجاوز به عنف انجام نزدیکی جنسی بدون رضایت زن و با استفاده از قهر و غلبه است. البته اثبات عدم رضایت و خواست برای نزدیکی جنسی بر عهده قربانی است که این موضوع مشکلاتی را در روند رسیدگی به این پرونده‌ها به وجود آورده است. به هر روی تجاوز به عنف تنها در چهارچوب رابطه خارج از چهارچوب مشروع ازدواج اعم از دائم و موقت - به رسمیت شناخته شده است. به سخنی دیگر، تجاوز به عنف نوعی از زنا است که همراه با عدم رضایت و خواست قربانی باشد. بنابراین توسل به خشونت جنسی در روابط میان زن و شوهر در ایران تجاوز به عنف محسوب نمی‌گردد.

بررسی قوانین آمریکا

تغییرات عمده‌ای در تعریف تجاوز به عنف در سی سال اخیر در ایالات متحد آمریکا به وجود آمده است.

بر اساس تعریف قدیم:

تنها زنان از نظر حقوقی قربانی تجاوز محسوب می‌شدند؛ تنها مردان از نظر حقوقی می‌توانسته‌اند مرتکب تجاوز به عنف شوند؛ امکان تعقیب شوهر به دلیل ارتکاب تجاوز علیه همسرش وجود نداشت؛

آمیزش هم عبارت بود از دخول دستگاه جنسی مردانه در دستگاه زنانه بدون رضایت زن؛ تجاوز جرمی علیه اخلاق است؛

بر اساس تعریف جدید:

هر شخص از نظر حقوقی می‌تواند قربانی تجاوز باشد؛

هر شخص (مرد یا زن) می‌تواند از نظر حقوقی مرتکب جرم تجاوز شود؛

شوهر می‌تواند به علت ارتکاب تجاوز به عنف علیه همسرش تحت تعقیب قرار گیرد؛

آمیزش هم عبارت از هرگونه دخول... با هر وسیله یا هر قسمت از بدن مشروط بر وجود دلالت جنسی بدون رضایت؛

تجاوز جرمی علیه اشخاص است؛

در ایران

ریشه‌یابی و بررسی علل وقوع چنین جرایم وحشیانه‌ای هیچ‌گاه در کشور ما و توسط مسئولین مورد توجه قرار نگرفته است. چندین راه در قانون برای اثبات تجاوز پیش‌بینی شده که شامل چهار بار اقرار متهم، شهادت چهار مرد عادل و در نهایت علم قاضی است. تجربه ثابت کرده است، افراد متجاوز حاضر به اقرار نیستند و اتهام وارده را منکر می‌شوند. تعدادی هم که در بازجویی‌ها و جلسات اولیه دادرسی اقرار می‌کنند، در فرآیند قضایی یاد می‌گیرند که باید انکار کنند، چون نتیجه چنین اقراری، چیزی جز اعدام نیست. راه بعدی، شهادت چهار مرد عادل است که خود طنز تلخی است.

تجاوز به عنف، کلیشه‌های نادرست و آمار جنایی

کلیشه نادرست: تجاوز به عنف یک عمل صرفاً جنسی است. واقعیت: تجاوز به عنف یک عمل مطلقاً جنسی نیست، بل، رفتار خشونت‌آمیزی است که در آن از اعمال و رفتارهای جنسی به عنوان یک ابزار استفاده می‌شود.

کلیشه نادرست: بیشتر متجاوزان به عنف هیچ سابقه آشنایی با بزه‌دیده ندارند.

واقعیت: تحقیقات نشان می‌دهد که شمار قابل توجهی از تجاوزهای جنسی توسط کسانی انجام می‌شود که به نوعی با بزه‌دیده سابقه آشنایی دارند.

کلیشه نادرست: بیشتر مرتکبان تجاوز جنسی دچار مشکلات روانی و شخصیتی بوده و معمولن به اقشار فرودست جامعه تعلق دارند.

واقعیت: یافته‌ها حکایت از آن دارد که متغیرهایی مانند سطح تحصیلات، نوع شغل، طبقه اجتماعی تاثیر معناداری بر

ارتکاب یا عدم ارتکاب تجاوز به عنف ندارند.

کلیشه نادرست: تنها زنان خاص در معرض بزه‌دیدگی تجاوز به عنف قرار دارند

واقعیت: هر زنی به صورت بالقوه در معرض بزه‌دیدگی تجاوز به عنف قرار دارد

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، در قانون مجازات اسلامی تجاوز به عنف به طور مستقل مورد تعریف و تبیین و جرم‌انگاری واقع نشده و در ذیل «زنا» آن را مورد مجازات «اعدام» قرار داده است.

حال آنکه اساساً تعریف تجاوز به عنف در حال حاضر با تعریف این جرم در قدیم بسیار متفاوت است و حوزه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد.

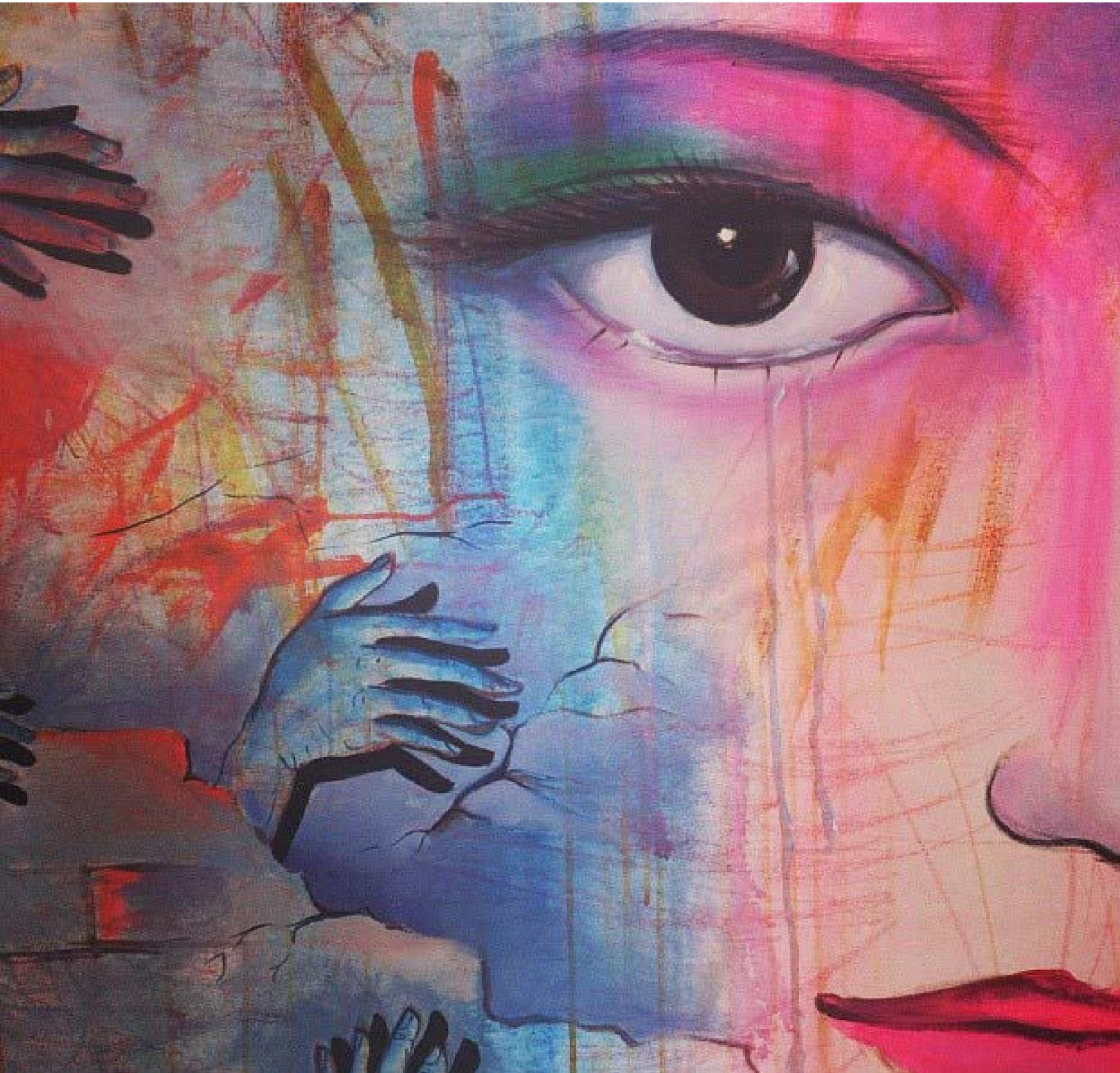
از دیگر فراز، نارسایی قانون در زمینه تجاوز یا زنا یا به عنف وجود دارد. قانون در برخورد با موضوع زنا یا به عنف تاکید بر اعدام متجاوز دارد. اعدام هرگز یک راهکار برای بازدارندگی نیست زیرا اعدام یک عارضه است و نه راه حل. اعدام موجب گسترش بیشتر خشونت در جامعه شده و موجب زائل شدن اخلاق است.

با بیان اینکه قابل پذیرش نیست که شدیدترین مجازات برای تجاوز به عنف در نظر گرفته شده در قانون مجازات اسلامی اعدام است و هیچ حد وسطی نیست، حال به فرض اینکه فردی مورد آزار و اذیت قرار گرفت اما منجر به زنا نشد چه باید کرد؟

از این بیش، عوامل اجتماعی موثر در قضیه را هم باید در نظر بگیریم. این خود یکی از عوامل موثر در تعرضاتی از این دست است که دارد به بلاخیزی یک منطقه بدل می‌شود.

از سویی دیگر، برخی موارد را باید در قالب آدم‌ربایی، مزاحمت یا عنوانی دیگر پیگیری کنیم. اثبات زنا هم خیلی مشکل است. چهار شاهد باید باشد، به اقرار نزد حاکم نیاز است و عموماً این رخ نمی‌دهد و هنگامی که اثبات نمی‌شود موضوع کاملاً منتفی می‌شود.

بسیاری از کسانی که مورد تعرض قرار می‌گیرند حاضر به طرح دعوی نیستند زیرا در موارد مشابه مورد حمایت قانون و اجرای آن توسط قضات دادگستری قرار نگرفته اند جز اینکه حیثیت‌شان خدشه دار شده است.



وقتی یک زن اعلام کرد فلان کس به او تجاوز کرده، از طرف زن اقرار محسوب می‌شود اما وقتی که مرد انکار می‌کند ما تنها مواجه می‌شویم با اقراری که زن به وسیله آن خود را محکوم کرده است.

مجازات‌ها به ویژه مجازات اعدام نمی‌توانند بازدارندگی داشته باشند. در موارد مشابه همچون قاچاق مواد مخدر، مگر نمی‌دانند مجازاتش چیست؟ ولی باز هم انجام می‌دهند. و این در حالی است که هنگامی که یک مورد از تجاوز به عنف در کشورهای دیگر رخ می‌دهد، روزنامه‌های شان از این مطلب پر می‌شود. سخت‌ترین مجازات چه در آمریکا و اروپا برای این جرم وجود دارد. حال آنکه در ایران شیوه برخورد با متجاوزان کامل و درست نیست. قضات و ضابطان قضایی با توجه به نواقص قانونی قادر به برخورد سزاوار قانونی نیستند.

راهکارها

قانون‌گذار باید مبادرت به جرم‌انگاری «تجاوز» بطور مشخص و مبین و بصورت درجه‌بندی کند و در قانون مجازات اسلامی چندین نوع تجاوز جنسی (متنوع‌سازی عنصر مادی) را با مجازات‌های متناسب و متفاوت با پیامدهای عمل مورد نظر بر پایه «اصل تناسب جرم و مجازات» جرم‌انگاری کند تا دستگاه کیفری بتواند به صورت دقیق‌تر نسبت به رفتارهای مجرمانه‌ای که در جامعه رخ می‌دهد، پاسخ دهد.

همچنین مفهوم «رضایت» در تعریف جرم تجاوز از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین تعریف و تبیین دقیق این مفهوم بر پایه گستردگی تعریف نو و تازه‌ی قوانین بین‌المللی وارد آئین دادرسی کیفری و نیز قانون مجازات نماید زیرا درج آن در متن قانون بسیار حیاتی است و اساساً استفاده از مفاهیم مبهم در امور کیفری که مبتنی بر رعایت «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» با هدف حمایت از حقوق شهروندان است، اقدامی ناشایست محسوب می‌شود.

تاسیس دایره ویژه مبارزه با تجاوز در پلیس و استفاده از افسران و کادرهای آموزشی/تخصصی زن در این دایره و ایجاد شعب ویژه برای رسیدگی به این جرم در دادسراها و مجتمع‌های قضایی می‌تواند راهگشا باشد.

در حقیقت هرگونه راهبرد پیشگیرانه در خصوص این جرم باید با در نظر گرفتن اصل پیشگیری تدوین و طراحی شود.

تجاوز و آزار جنسی؛ بررسی قوانین

قدیمی و کنونی ایران



نقی محمودی

در قانون مذکور «تجاوز جنسی» به عنوان یکی از اشکال خشونت علیه زنان گنجانده شده و مراجع دولتی را در ارتباط با حمایت‌های حقوقی و روانشناسی لازم به زنان قربانی خشونت، ملزم کرده است.

ولی در قوانین کیفری ایران اعم از قوانین عام و یا خاص، چه در حاکمیت پهلوی و چه در حاکمیت جمهوری اسلامی، از آزار یا تعرض جنسی، تعریف جامع و مانعی ارائه نشده و خشونت جنسی صرفاً به تجاوز جنسی محدود شده که اثبات آن با توجه به ادله‌ی اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی، دشوار است.

صرفاً در برخی از مواد قانونی، مصادیقی از تعرض جنسی، مثل تعقیب مصرانه‌ی زنان در معابر عمومی، تجاوز به عنف، مزاحمت، تعرض و توهین از طرق استعمال الفاظ و یا حرکات مخالف شئون و حیثیت بیان شده است. بنابراین، قوانین مدون در ایران، از فقر و خلاء قانونی در این ارتباط در رنج است و جای دارد در قانونگذاری در حوزه‌ی زنان، گونه‌های رفتار سوء نسبت به زنان مورد توجه و تاکید قرار گیرد.

تعریف آزار و تعرض جنسی

آزار جنسی عبارت است از هر نوع رفتار و گفتار جنسی مخالف میل و خواسته‌ی فرد آزار دیده، از قبیل رفتارهای

موضوعات مرتبط با زنان، در مطالعات جرم‌شناسی و به تبع آن در قوانین متعدد مدونه‌ی کشورهای مترقی و دموکراتیک، در مرکز توجه قرار داشته و در این میان، آزار و تعرض جنسی نسبت به زنان، جایگاه ویژه‌ای در قانونگذاری این کشورها به خود اختصاص داده است.

به عنوان مثال، مصادیق و موارد آزار جنسی به صورت مشخص و به تفکیک جرم‌انگاری و برای هر کدام از آنها، با توجه به نوع آن، مجازات علیحده‌ای تعیین شده است. آلمان، کشورهای حوزه اسکاندیناوی و انگلستان جزو کشورهای پیشرو در این زمینه هستند که در آن‌ها هرگونه عمل جنسی بدون رضایت زنان جرم تلقی می‌شود و در صورت ارتکاب چنین رفتارهای مجرمانه‌ای، مجازات‌های مختلفی - بسته به نوع آزار و تعرض جنسی - برای مرتکبین مقرر شده است.

در کشورهایی مانند افغانستان نیز در طی سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری در روند قانونگذاری حاصل شده و حمایت از زنان در اولویت قرار گرفته است. به عنوان مثال در سال ۱۳۹۶ قانون خاصی با ۴۴ ماده و تحت عنوان «قانون منع خشونت علیه زن» تصویب و به تفکیک به موارد حمایت‌های لازم حقوقی و قانونی از زنان در افغانستان پرداخته است.

توهین‌آمیز، تحقیرکننده یا تهدیدآمیز جنسی. هر دو جنس و زن و مرد و حتی کودکان می‌توانند قربانی این رفتارها و گفتارها باشند. هرگونه درخواست جنسی ناخوشایند و مخالف میل طرف مقابل، هر نوع رفتار و یا کلام جنسی بدون رضایت طرف مقابل که شامل موارد زیر باشد از مصادیق آزار جنسی است:

هرگونه لمس یا تماس جنسی بدون رضایت طرف مقابل، کنجکاوای در زندگی خصوصی جنسی یک شخص، شوخی‌ها و مزه‌پرانی جنسی، اصرار بر پیشنهاد رابطه‌ی جنسی، متلک، زل زدن و چشم‌چرانی، نشان دادن تصاویر جنسی به بزه‌دیده، اظهار نظر جنسی در مورد اندام‌های طرف مقابل، هر نوع شوخی جنسی، توهین جنسی به بزه‌دیده یا بستگان آن‌ها، عورت‌نمایی جنسی و تماس‌های مکرر صوتی و تصویری بی‌مورد و بی‌دلیل.

آزار جنسی در قوانین عمومی و خاص ایران

الف- در قانون مجازات عمومی و قوانین خاص قبل از سال ۵۷:

۱- اولین قانون مجازات عمومی در ایران، در سال ۱۳۰۴ به تصویب مجلس شورای ملی وقت ایران رسیده است. این قانون در سال‌های بعد در مقاطعی مورد اصلاح قرار گرفته و موادی از آن نسخ و مواد دیگری به آن الحاق شده است. در این قانون یک بخش مجزا تحت عنوان «هتک ناموس و منافیات عصمت»، به جرائم مختلف جنسی اختصاص یافته که موادی چند از قانون مذکور را که مرتبط با این نوشته است در ذیل می‌آورم.

ماده ۲۰۸- هر کس به عنف یا تهدید و اکراه هتک ناموس (موقعه) دیگری اعم از ذکور و اناث بنماید جزای او حبس با اعمال شاقه است از چهار تا ۱۲ سال و اگر فاعل لله یا نوکر یا مستخدم یا معلم یا مشاق یا کلیتاً از اشخاصی باشد که سمت صاحب اختیاری نسبت به مجنی‌علیه دارند جزای او حبس با اعمال شاقه از پنج الی ۱۵ سال خواهد بود و اگر فاعل از اقربای تا درجه سوم مجنی‌علیه باشد مجازات او حبس دائم با اعمال شاقه است.

در این ماده، ذات عمل جنسی کامل توأم به عنف، تهدید و اکراه در نظر گرفته شده و مجازات واحدی صرفنظر از جنسیت بزه‌دیده، مقرر شده است. از نوآوری و نکات قوت این ماده‌ی قانونی، اعمال مجازات مشدد نسبت به مرتکبینی است که

دختر و پسر بزه‌دیده به آن‌ها سپرده شده‌اند. از قبیل معلم، لله، مستخدم و افرادی در این ردیف که به قید تمثیل در این ماده آمده و با مجنی‌علیه رابطه‌ی معنوی داشته یا تحت نفوذ روانی آن‌ها قرار دارند. همچنین اعمال مجازات مشدد در مورد مرتکب جرمی که از اقربای تا درجه سوم مجنی‌علیه باشد. همچنین در این ماده، موضوع خشونت جنسی خانگی نسبت به افراد خردسال چه از سوی افراد مسئول تربیت و نگه‌داری آنها و چه از ناحیه‌ی اقربا و فامیل، مورد توجه قانونگذار بوده است.

ماده ۲۰۹- هر کس بدون اکراه یا تهدید هتک ناموس (موقعه) دختری را که به سن ۱۵ سال نرسیده است نماید جزای او حبس مجرد است از دو تا هشت سال و اگر مجنی‌علیه‌ها به ۹ سالگی نرسیده باشد به فاعل جزای کسی که به عنف یا تهدید و اکراه مرتکب شده باشد داده می‌شود.

در این ماده، به مسئله‌ی آزار جنسی در شکل موقعه (نزدیکی جنسی) بدون اکراه کودکانی پرداخته شده است که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند. عامل سن (عدم بلوغ مجنی‌علیه) به عنوان عدم رضایت تلقی شده است. چرا که فرد صغیر هنوز به آن درجه از درک و شعور نرسیده که نسبت به عمل جنسی، رضایت و یا عدم رضایت داشته باشد. حتی در قوانین کیفری کشورهایی که در آن عمل جنسی توأم با رضایت متقابل جرم محسوب نمی‌شود، عدم بلوغ جنسی مجنی‌علیه (چه دختر و چه پسر) در یک رابطه‌ی جنسی با بزرگسال، مجرمانه تلقی شده و طرف بالغ، به دلیل سوء استفاده از صغر سن بزه‌دیده، مجازات می‌شود.

۲- دومین متن قانونی در ایران که در آن به یکی از مصادیق آزار جنسی پرداخته و آن را جرم‌انگاری کرده است، بند ۱۹ ماده ۳ آئین‌نامه‌ی امور خلاقی مصوب سال ۱۳۲۴ است: کسانی که دخترها، پسرها و زن‌ها را مصراً تعقیب نماید به حبس تکدی‌ری از ۵ روز تا ۷ روز و از ۵۰ تا ۱۰۰ ریال غرامت محکوم می‌شوند. آئین‌نامه‌ی مذکور یکی از اولین متون مترقی مدون قانونی (خاصه با لحاظ زمان تصویب آن) در ایران است که موارد متعدد دیگری از قبیل جرم‌انگاری برای آزار و اذیت حیوانات و رعایت آداب و رسوم اجتماعی را مشتمل است که از حوصله‌ی این نوشتار خارج است. قربانیان مورد توجه قانونگذار در این ماده دختران و پسران نابالغ و زنان است. در

این بند، اشخاص مورد نظر قانونگذار هم زنان و هم کودکان پسران و دختران نابالغ است.

۳- قانون راجع به مجازات حمل چاقو و انواع سلاح سرد و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی مصوب ۱۳۳۶ ماده ۳ قانون مذکور، شکلی از اشکال خشونت جنسی علیه زنان را که از طریق استفاده از الفاظ یا حرکات مخالف شئون و حیثیت است را جرم‌انگاری کرده بود.

ماده ۳ مقرر می‌دارد: هر کس در اماکن عمومی و یا معابر عمومی معترض و یا مزاحم زنی بشود و یا با الفاظ و یا حرکات مخالف شئون و حیثیت به او توهین نماید، به حبس تأدیبی از دو ماه تا هشت ماه محکوم خواهد شد. رسیدگی به جرائم مذکور در قانون مذکور، طبق ماده ۵ آن بدون نوبت در نظر گرفته شده بود.

ب- قوانین کیفری عمومی بعد از سال ۵۷

۱- ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی

حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف- زنا با محارم نسبی

ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.

پ- زنا با مرد غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.

ت- زنا با عتف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.

تبصره ۱- مجازات زانیه در بندهای (ب) و (پ) حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است.

تبصره ۲- هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا با عتف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.

با توجه به این که قوانین کیفری در جمهوری اسلامی ایران، منبعت از فقه شیعی اثنی عشری است تمام فعالیت‌های جنسی شهروندان، خارج از چهارچوب عقد اسلامی (موقت یا دائم) ممنوع و مستوجب مجازات تعیین شده است.

می‌توان گفت که ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی، یکی از مواد قانونی‌ای است که شدیدترین مجازات را چه برای رابطه‌ی جنسی زنان و مردان چه با میل و رغبت و چه به عتف و اکراه

یا وجود رابطه‌ی سببی و نسبی، تعیین کرده است. مجازاتی دهشتبار و غیرانسانی که به هیچ وجه قابل دفاع نیست.

شاید دهشتبار بودن مجازات مندرج در این ماده از عواملی است که زیان دیدگان را در اعلام شکایت سست عنصر می‌کند و یا برخی از قضات را (نه همه‌ی قضات؛ چرا که بسیاری از قضات جمهوری جنون صدور احکام اعدام دارند) در صدور حکم محتاط و در نتیجه به راحتی، مرتکبین جرم تجاوز جنسی از گزند مجازات مصون می‌شوند. تنها بخش مثبت و اصولی این ماده تبصره ۲ آن است که جرم‌انگاری تجاوز جنسی به زانی است که به دلیل مستی کنترلی بر اراده‌ی خود ندارند و این اسباب، مصادیق غیر قابل انکاری از عتف بودن عمل جنسی است. ولی باز نتیجتاً، صدور حکم اعدام، غیر قابل پذیرش است.

۲- ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی

هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

در این ماده قربانیان مورد نظر قانونگذار، کل اشخاص بدون در نظر گرفتن سن و جنس آنهاست و منظور از تظاهر در ماده ی فوق الذکر، به معنی صرف وانمود کردن نیست بلکه باید مرتکب، از چاقو استفاده کرده باشد.

این ماده، ماده یک «لایحه‌ی قانونی راجع به مجازات حمل چاقو و انواع سلاح سرد و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی» مصوب ۱۳۳۶ را نسخ کرده است.

۳- ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی

هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. مقصود از تعرض، مزاحمت یا توهین به اطفال یا زنان در این ماده، ناظر به امور جنسی است. از قبیل متلک‌پرانی، تعقیب زنان و کودکان، دست درازی و لمس شهوانی.

مفاد این ماده، در ماده ۳ قانون راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه‌ی سرد و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی مصوب ۱۳۳۶، پیش‌بینی شده بود.

اگر یک نفر در معابر و اماکن عمومی مزاحم و متعرض چند زن و کودک شود، مقررات تعدد جرم در مورد وی اعمال خواهد شد.

قوانین ایران در حوزه آزارهای جنسی «دخول محور» است



عسل همتی

متجاوز تمام شد، چه اقداماتی برای قربانی و چه کاری برای بازپروری مجرم می‌توان انجام داد. در بخش مسائل پیشگیرانه، در قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۲۴ تبصره ۲، هرگاه کسی با زنی در حال بیهوشی، مستی یا خواب رابطه برقرار کند، رفتار او در حکم زنا یا به عنف است. بنابراین موضوع را طوری تعریف کرده است که اگر زن راضی نباشد تجاوز به عنف اتفاق افتاده است. این در حالی است که اثبات این عدم رضایت در دادگاه‌های ایران کار بسیار سختی است. به این دلیل که چطور می‌شود این را اثبات کرد که خلاف میل من این اتفاق افتاد؟ زیرا در خیلی مواقع فرد متجاوز، غریبه نیست. ممکن است از بین دوستان و آشنایان باشد که کار اثبات را به مراتب سخت‌تر می‌کند. مثلاً قاضی پرسد اگر راضی نبودی چرا به منزل اورفتی؟ چرا وارد اتاق خواب او شده‌ای؟ زیرا در دادگاه‌های ایران نارضایتی نرم مورد پذیرش نیست، تنها آثار ضرب و شتم و کبودی دلیل بر نارضایتی است، جیغ و دادی که برای آن شاهد داشته باشید دلیل بر نارضایتی است. بنابراین خیلی از زنان اولاً به این مشکل برمی‌خورند که چطور ثابت کنم این اتفاقی که برایم افتاده خلاف رضایتم بوده؟ پس اولین اشکال این

پگاه بنی‌هاشمی در گفت‌وگو با مجله «حقوق ما» قوانین کیفری ایران در حوزه آزارهای جنسی را «دخول محور» دانست و گفت: «قانون‌گذار ایران تا زمانی که آن اتفاق اصلی نیفتد تجاوز را به رسمیت نشناخته است.» او همچنین از جای خالی تبصره یا ماده‌ای قانونی مربوط به آزارهای جنسی کلامی در این قانون می‌گوید و معتقد است: «همیشه آزار و اذیت جنسی لزوماً به رابطه جنسی منجر نمی‌شود».

این کارشناس حقوقی همچنین در مورد خلاهای قانونی درباره این جرم توضیح داد و از دشوار بودن اثبات نارضایتی فرد مورد تجاوز قرار گرفته است، سخن گفت که در ادامه می‌خوانیم.

جرم آزار و اذیت جنسی اصولاً چطور در قوانین کیفری ایران تعریف شده است و خلاءهای این قانون چیست؟

در قانون کیفری ایران جرم تجاوز جنسی به سه قسمت تقسیم شده است. اول بخش پیشگیرانه است، اینکه چه کار کنیم که این اتفاق نیفتد. دوم اینکه اگر افتاد، پروسه رسیدگی به آن چطور است و سوم اینکه زمانی که مجازات

که در این موضوع قانون‌گذار در ایران باید توجه بیشتری نشان دهد که فقط رضایت سخت نباشد و بپذیرد که در خیلی از مواقع تجاوز از سوی آشنایان اتفاق می‌افتد. دومین اشکال که در مورد بعدی عنوان می‌شود این است که اگر در حالت مستی و بیهوشی باشد، در خیلی از مواقع ممکن است این اتفاق بعد از مهمانی رخ دهد و قربانی مست باشد. به این شکل که فرد باید در دادگاه ایران و مقابل قاضی بپذیرد که مست بوده است. در این صورت اگر قاضی بپذیرد که او مست بوده و جرم تجاوز اتفاق افتاده به جرم مستی هم باید شلاق بخورد! و اینکه اقرار علیه خود در دادگاه جایز است. بنابراین اگر بگویید من مست بودم اقرار علیه خود محسوب شده و اول باید به دلیل مستی ۷۴ ضربه شلاق بخورد تا بعد که اثبات شود تجاوز اتفاق افتاده یا خیر! در اینجا کمی تناقض و ضدیت قوانین با هم پیش می‌آید که طبیعتاً هیچ عقل سلیمی این کار را نمی‌کند.

آیا در کشورهای دیگر مشخصاً چنین جرمی تفکیک شده و وجود دارد؟

بله. در قوانین بریتانیا و آمریکا که مطلع هستم آن بخش از آزار کلامی که مربوط به توهین‌های نژاد پرستانه و غیره است از آزارهای کلامی جنسی تفکیک شده اما در ایران تفکیک نشده است. اما در کشورهایی که گفته شد، مساله آزارهای کلامی از آزارهای کلامی جنسی تفکیک شده و در زیرمجموعه «سکسوال هرسمنت» آورده شده است.

متأسفانه آزار جنسی در ایران فقط دخول محور است به این معنا که اگر تجاوز به صورت کامل انجام نشده باشد آن را تجاوز جنسی تلقی نمی‌کند. مثلاً متلک و آزار کلامی در ایران بسیار عادی است و فکر نمی‌کنم زنی در ایران باشد که حتی یک بار هم مورد این آزارها قرار نگرفته باشد.

جنبشی تحت عنوان جنبش «me too» که به تازگی در فضای مجازی ایران به راه افتاده چقدر می‌تواند در عادی سازی این موضوع تاثیرگذار باشد؟

جنبش «من هم» ایرانی باعث شد شجاعت و قدرت افراد تقویت شده و آنها بتوانند درباره مساله تجاوز که برایشان اتفاق افتاده صحبت کنند. در نتیجه این جنبش کمک کرد که اگر افراد دیگری هم مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند، شجاعت این موضوع را پیدا کنند که از این مساله صحبت کنند و از گفتن در این باره هراس نداشته باشند. این در حالی است که در فرهنگ ما قربانی را مقصرت‌تر از

با توجه به ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی، به نظر می‌رسد قانونگذار در رابطه با زن و شوهر، تجاوز جنسی را در هیچ صورت به رسمیت نشناخته است. درباره این موضوع توضیح می‌دهید؟

سومین اشکالی که مسائل تجاوز جنسی در قانون ایران دارد همین است. تجاوزهای بین زن و شوهر را قانون‌گذار ایران به رسمیت نشناخته است. در ماده ۲۲۱ عنوان می‌کند فرد زمانی متجاوز خوانده می‌شود که علقه زوجیت وجود نداشته باشد. بنابراین اگر علقه زوجیت وجود داشته باشد همان تمکین خوانده می‌شود حتی اگر به زور باشد. خیلی در دادگاه‌های خانواده شنیده می‌شود که زن از رفتار شوهر خود در رختخواب نارضایتی دارد ولی آیا این مورد تجاوز جنسی محسوب می‌شود؟ در قوانین ایران خیر!

آیا در قوانین کیفری ایران جرمی مربوط به آزار کلامی یا



متجاوز می‌دانند. در بیشتر مواقع در فرهنگ ما نمی‌گویند چرا متجاوز چنین کاری انجام داده، می‌گویند قربانی چه رفتاری کرده که متجاوز تجاوز کرده است. یعنی شماتت به جای اینکه روی فرد متجاوز باشد روی قربانی است. جنبش «من هم» کمک کرد این تفکر شکل بگیرد که قربانی مقصر نیست و نوک پیکان رو به شخص دیگری به نام متجاوز است.

این جنبش در کشورهای دیگر چه تاثیری داشت؟ جنبش اصلی «من هم» از آمریکا شروع شد و زنان مشهور از کسانی که پول یا قدرت بسیار زیادی داشتند صحبت کردند. این موضوع باعث شد آگاهی بخشی جمعی بسیار بالا برود و این باور به وجود آمد که زنان می‌توانند در این باره صحبت کنند و این موضوع جهانی شد و پس از آمریکا در انگلیس به راه انداخته شد و پس از آن در ایران به آن پرداخته شد.

جنبش‌های این‌چنینی دو تاثیر مثبت دارد، اولین تاثیر که همان صحبت کردن قربانیان در این باره است، و این جرم همیشه در پرده‌ای از سکوت بود. به این معنی که قربانی ترس از آبرو داشت. این جنبش نشان داد تفاوتی ندارد که یک شخص یک سیاست‌مدار پر قدرت باشد یا یک هنرمند مشهور و این اتفاق برای هر فردی ممکن است رخ بدهد.

به عنوان سوال آخر می‌خواهم پرونده‌ای که چند وقت پیش در ایران خبرساز شد را تحلیل کنید. اینکه راننده ۲۸ ساله یک سرویس خصوصی دبستان پسرانه، چندین نوبت به پسر بچه‌ها تجاوز کرده بود و هر بار با این تهدید که اگر به مادر یا پدرتان بگویید آنها را می‌کشم، کودکان را به سکوت وا داشته بود.

این موضوع هم برمی‌گردد به مسائل پیشگیرانه که مسوولان باید به آن توجه بیشتری نشان دهند. مثلاً آموزش درباره مسائل جنسی حتماً باید در مدارس اجباری باشد که

کودک یا نوجوان بداند هیچ فردی حق ندارد درباره مسائل جنسی از فرد خواسته‌ای داشته باشد یا در قبال این خواسته تهدیدی انجام بدهد.

یا مثلاً هیچ فردی جز پدر و مادر حق ندارند به بدن فرد دست بزنند. این مسائلی است که در بریتانیا و امریکا

کامل وجود دارد و آموزش‌های این‌چنینی حتی در دانشگاه انجام می‌شود که چه چیزهایی حق است و چه چیزهایی حق نیست و اگر اتفاق بیفتد بهترین واکنش چه واکنشی است.

همچنین در مرحله رسیدگی به جرم کلینیک‌های مخصوص وجود دارد که به افراد قربانی کمک روانی و بهداشتی می‌دهند. این‌ها مسائلی است که در ایران وجود ندارد که فرد به یک کلینیک مراجعه کند و بگوید به من تجاوز شده و نیاز به کمک دارم. در هر یک از این مراحل مسائلی به وجود می‌آید که قانون‌گذار ایران باید برای آن چاره‌ای بیاندیشد.

همچنین در مرحله رسیدگی به جرم کلینیک‌های مخصوص وجود دارد که به افراد قربانی کمک روانی و

مهری جعفری: قوانین ایران، مجوز آزار جنسی کودکان

عسل همتی

صورت دیگر نام رابطه، تجاوز نیست. آیا قانون‌گذار به این بحث رضایت در مورد کودکان هم پرداخته است و اصولاً رضایت فردی که زیر سن قانونی است بر چه اساس قابل تشخیص است؟

در رابطه با این موضوع برخوردی که در قانون تمام دنیا می‌شود با برخوردی که در ایران می‌شود کاملاً فرق می‌کند و اصولاً تعریف آزار جنسی برای کودکان متفاوت است.

مثلاً در قوانین بسیاری از کشورها رابطه رضایت‌مندانه با کودک مفهومی ندارد چون اگر فرد بزرگسال با فرد زیر ۱۸ سال رابطه برقرار کند این در هر صورت جرم است و رابطه رضایت‌مندانه و غیر رضایت‌مندانه در این مساله وجود ندارد. بنابراین نیاز به تغییر بسیار بنیادین در رابطه با مساله آزار جنسی کودکان در ایران داریم زیرا تعریف کودک آزاری در ایران تعریف نادرستی است به این دلیل که به صورت قانونی اجازه کودک آزاری تحت عنوان ازدواج با کودکان به افراد داده شده است.

همچنین در قانون ما سن کودک درست تعریف نشده، بنابراین رضامندی کودک زیر ۱۸ سال در رابطه با بزرگسالان عملاً در ایران تعریف نشده؛ رضای کودک مانند رضامندی بزرگسال حساب شده است به این معنا که در

«در رابطه با مسئله آزار جنسی کودکان، قوانین ایران تفاوت‌های بنیادینی را با قوانین بقیه کشورها نشان می‌دهد. خلأهای قانونی و نادیده گرفتن ماهیت این آزارها در رابطه با کودکان در ایران به قدری است که حتی تجاوز به کودک و برقراری ارتباط جنسی با آنها امری قانونی و عادی تلقی می‌شود و در زیر پوشش قانونی ازدواج بزرگسالان با کودکان اصولاً جرم شناخته نمی‌شود و قابل مجازات نیست.» اینها را مهری جعفری، حقوقدان، در گفت‌وگو با مجله حقوق ما می‌گوید.

این حقوقدان همچنین معتقد است قضات ایران آموزش کافی ندیده‌اند و مبنایی که قضات به آن تکیه می‌کنند کلاً مبنای مرد سالارانه است و براساس آن حکم بر محدودیت زن داده می‌شود که مورد آزار قرار نگیرد؛ نه محدودیت مرد برای اینکه آزارگر نباشد.

این کارشناس حقوقی از سازو کار بسیار پیچیده اثبات دعوی در قانون ایران می‌گوید که در ادامه می‌خوانید.

*در بحث آزار و اذیت جنسی مساله‌ای به نام رضایت فردی که مورد آزار قرار گرفته است، وجود دارد که در این

ایران می‌توانید با کودکان زیر ۱۸ سال ازدواج کنید و حتی می‌توانید با اجازه ولی کودک با کودک زیر ۱۳ سال هم ازدواج کنید که این از مصادیق آزار جنسی قانونی است. بنابراین وقتی اجازه داده می‌شود که کودک زیر ۱۳ سال با یک فرد بزرگتر ازدواج کند، یعنی رابطه جنسی برقرار کند، این در واقع به این معنا است که قانون عملاً اجازه داده کودک آزاری انجام شود.

در بحث زنان، قانونگذار در قانون مجازات اسلامی به چه صورت از افرادی که قربانی آزار و اذیت جنسی شده‌اند حمایت کرده یا برای جلوگیری از این آزار و اذیت‌ها چه تدابیری اندیشیده است؟

در مورد قوانین ایران و به طور خاص قانون مجازات اسلامی باید گفت اساساً قوانین مجازات اسلامی توجه خاصی به جلوگیری از جرم یا حمایت از مصدوم ندارد که در مورد جنبه‌های آزارهای جنسی نیز بتوان در آن جست و جو کرد. اساس قانون مجازات اسلامی بر مجازات مجرم است؛ آن‌هم مجازات از جنبه دینی.

در نتیجه وقتی به مسائل حمایتی به ویژه حمایت از زنان می‌رسد، می‌بینیم نه تنها قوانین خاصی پیش بینی نمی‌شود بلکه با اعمال قوانین عام به شکلی که به خصوص در حدود آمده، عملاً بسیاری از راه‌ها را برای اعمال جنبه‌های حمایت‌گرانه می‌بندد. در نتیجه می‌توان گفت در قانون مجازات اسلامی، به قوانین خاص حمایت‌گرانه از زنان در امور جنسی هیچ اشاره‌ای نشده است.

گفتید اساس قانون مجازات مجرم از جنبه دینی است. این مجازات به چه صورت است؟

قانون مجازات اسلامی در ایران، هرگونه رابطه جنسی رضامندانه خارج از ازدواج دو بزرگسال را جرم تلقی کرده و برای آن مجازات معین کرده است. در چنین شرایطی،

اثبات رضامندانه بودن و یا متجاوزانه بودن رابطه برای مرتکب آزار و مزاحمت جنسی اهمیت پایه‌ای خاصی پیدا نمی‌کند. می‌بینیم از رضایت هم تعریف دقیقی نیاز نبوده زیرا رابطه رضایت‌مندانه خودش جرم تلقی شده است.

بنابراین به مساله مبتنی بر آزار جنسی در محیط کار توجه چندانی نمی‌شود زیرا اساساً هر رابطه‌ای حتا رضامندانه جرم شناخته می‌شود و رابطه رضایت‌مندانه با رابطه اجباری و آزارگرانه چندان تفاوتی ندارد.

از طرف دیگر، در مسئله تجاوز اتفاقی که می‌افتد این است که اشد مجازات که اعدام است، به قدری سنگین است که حتی گاهی اثبات آن هم مورد نظر شخص مصدوم نیست.

یعنی فرد مصدوم همیشه خواهان اعدام شخص آزارگر نیست. در نتیجه می‌بینیم که عدم تفکیک دقیق بین رضایت‌مندانه بودن رابطه و زورگویانه بودن آن از یک طرف و شدت برخورد با شخص متجاوز که در صورت اثبات منجر به اعدام می‌شود، دست به دست هم می‌دهد که مساله برخورد با مجرمان آزارهای جنسی را مشکل می‌کند.

خلأهای قانون ایران در رابطه با اثبات آزارهای جنسی خصوصاً برای زنان به گونه‌ای است که خیلی‌ها معتقد هستند فرد قربانی از ترس مجرم نشدن دست از شکایت برمی‌دارد.

دقیقاً همینطور است! به این معنا که به قدری مساله سرکوب زن‌ها در رابطه با مسائل جنسی در قوانین ایران شدید است که زن با اعلام اینکه اتفاقی افتاده، در اصل ابتدا اقرار می‌کند و بعد باید ثابت کند که این زورمندانه بوده است. متأسفانه اثبات آن به قدری مشکل می‌شود که همان اقرار ممکن است به ضرر مصدوم تمام شود.

پس همانطور که می‌بینید، مجرمانه بودن رابطه رضایت‌مندانه باعث می‌شود وقتی شما رابطه‌ای را اقرار می‌کنید، در صورت حد و رضایت‌مندانه بودن، می‌تواند



جرم ایجاد کند. بنابراین شخص از اقرار به چنین رابطه‌ای بازداشته می‌شود. این در حالی است که در کشورهای دیگر وقتی شما بگویید این رابطه بوده است، خود رابطه جرم نیست و اثبات زورمندانه بودن آن رابطه جرم می‌شود. به دلیل همین تفکیک مهم است که زنان در ایران از اقرار اولیه بازداشته می‌شوند؛ به خصوص با سازوکارهای اثبات دعوی در ایران.

* کمی بیشتر در رابطه با این سازوکارهای مشکل اثبات دعوی در ایران توضیح می‌دهید؟

سخت و پیچیده است. مثلاً در مورد رابطه جنسی شاهد زن قبول نیست، دو شاهد مرد لازم است. در شرایط خاص و برای ارتباط کامل جنسی، شهادت چهار مرد لازم است یا اقرار متهم.

این‌ها عواملی است که عملاً راه را بر شروع شکایت می‌بندد. از سوی دیگر ادله‌ای که با قرائن و شرایط به دست می‌آید مثل گواهی پزشکی قانونی به تنهایی کافی نیست که وقوع تجاوز را ثابت کند؛ مگر اینکه متهم خودش اقرار کند. این اقرار هم چون منتهی به حکم اعدام می‌شود، عملاً اتفاق نمی‌افتد. بنابراین عملاً قانون مجازات اسلامی بسیاری از راه‌ها را بسته در حالی که با یک قانون حمایت‌گرانه مدرن می‌شود که جلوی بسیاری از جرائم و آزارهای جنسی را گرفت.

یکی از مشکلاتی که زنان ایران دارند مسئله ناامنی جنسی در محل کار است. در این رابطه قانونگذار ایران چه می‌تواند بکند؟

در بیشتر کشورهای پیشرفته مشخصاً به این مساله اشاره شده و حتی اگر کارفرما نتواند جلوی چنین آزاری را بگیرد، کارگر می‌تواند سرکار نرود ولی ترک کار محسوب نمی‌شود. در قانون کشورهای پیشرفته به این صورت آمده که درست است کارفرما کارگر را اخراج نکرده ولی محل کار به قدری از نظر جنسی برای این زن ناامن است که می‌تواند سرکار حاضر نشود. این‌ها مواردی است که در ایران نه تنها به آن

پرداخته نشده بلکه حتی به آن فکر نمی‌شود. بنابراین اول باید اساساً ساختار نگاه قانونگذار در ایران را مورد نقض قرار دهیم؛ سپس با توجه به شرایطی که در حال حاضر در ایران هست و زنان در همه عرصه‌ها حضور دارند، این تغییر ساختار را بخواهیم.

آیا می‌توان گفت به دلیل نبودن همین امنیت جنسی در محیط کار حضور زنان را در اجتماع را از دست می‌دهیم؟

حتماً همین‌طور است. ما نیروی انسانی فعال و بسیار زیادی را در خیلی از عرصه‌ها از دست می‌دهیم که این اصلاً به طور ساختاری در سیستم ایران مورد توجه نیست. به این دلیل که در ایران هدف اصلاً ایجاد مشارکت برای زنان در عرصه‌های مختلف دیده نمی‌شود بلکه به نوعی محدودیت زن‌ها مورد نظر است.

وقتی که همین آزارهای جنسی باعث محدودیت‌های

حتی در کشورهای غربی هم هنوز مصدوم را مورد سوال قرار می‌دهند. البته به تازگی می‌بینیم که حرکت‌هایی صورت گرفته است که دیگر مصدوم مورد سوال و بازخواست قرار نگیرد و بتواند با راحتی و اطمینان به اینکه حرفش مورد باور قرار می‌گیرد موضوع را مطرح کند و بعد شرایطی ایجاد شود که بشود صحت و سقم مساله را بررسی کرد.

این‌که از اول مصدوم شرایط روحی خاصی برایش ایجاد شود که اصلاً برای طرح مساله پا پیش نگذارد، موضوعی است که در همه جای دنیا مطرح است. اما در ایران خود قوانین مانع پا پیش گذاشتن و مانع اعلام شکایت می‌شوند.

با توجه به مشکلات و خलाهای قانونی که در این باره وجود دارد، نگاه قاضی چقدر می‌تواند در حکم تعیین کننده یا به نفع زنان باشد؟

قضات ایران آموزش کافی ندیده‌اند. مرد هستند و از یک پیش‌زمینه ذهنی بسیار مردسالارانه به قضاوت می‌نشینند. مبنایی که قضات به آن تکیه می‌کنند کلاً مبنای مردسالارانه است و براساس آن حکم بر محدودیت زن داده می‌شود که مورد آزار قرار نگیرد؛ نه محدودیت مرد برای اینکه آزارگر نباشد.

بنابراین نمی‌توان انتظار چندانی از قضاتی که با این قوانین دست به قضاوت می‌زنند، داشت. در عین حال من فکر می‌کنم مسئولیت شخصی قضات را نمی‌توان نادیده گرفت. بنابراین تک تک قضاتی که در مسند قضا می‌نشینند پاسخگوی نگاه و آرای خود هستند و در عین حال شدید بودن مجازات‌ها نیز به قدری خوفناک است که از یک طرف فعالان حقوق بشر، از طرف دیگر خود مصدوم شاید راضی به قتل آزارگر نباشند. هدف این است که فرد تادیب شود و جرم خود را علیه زن و زن‌های دیگر تکرار نکند ولی این نگاه بازدارنده و پیش‌گیرنده در قوانین ایران دیده نمی‌شود.

زنان می‌شود توجه چندانی هم به برطرف کردن این محدودیت‌ها نمی‌شود. چه در عرصه‌های کار و مشارکت اجتماعی و چه در حضور در مجامع و حتی خیابان‌ها به عنوان یک شهروند.

در تبصره دوم ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی درباره تجاوز به فرد در حالت مستی، بیهوشی یا خواب گفته شده که حکم تجاوز جنسی را دارد. چقدر در پرونده‌های آزار جنسی می‌توان این موارد مستی و بیهوشی را به اثبات رساند؟

در ایران اثبات این موضوع سخت است زیرا اصلاً ادله اثبات در ایران ادله خیلی سختی است مثل شهادت یا اقرار. اما ممکن است در شرایطی بتوان مثل خوراندن داروی خواب آور و مراجعه به پزشکی قانونی چیزهایی را ثابت کرد. باید توجه داشته باشیم که اصولاً نگاه قانونگذار به مسائل جنسی باید تغییر کند همان‌طور که



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net